

ارزش‌های فرهنگی و حقوق عمومی

با تأکید بر نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

تألیف:

محمد پورکیانی

www.ketab.ir

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



دانشگاه امام صادق

ارزش‌های فرهنگی و حقوق عمومی: تأکید بر نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران
تألیف: محمد پورکیانی / سفیر علمی: محمد روشنی / ویراستاری ادبی: محمدحسین بصیری
نمایه‌سازی و نظارت بر نسخه‌برداری: چاپ و تصاویر: دانشگاه امام صادق (ع) / چاپ اول: ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / چاپ و صحافی: مطبعه چاپ و صحافی برتر / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۰۹-۳

قیمت: ۱۱۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: پورکیانی، محمد، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور: ارزش‌های فرهنگی و حقوق عمومی: تأکید بر نظام
حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران / تألیف: محمد پورکیانی
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۷۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۰۹-۳
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۸۵۲۵۶

فهرست مطالب

۱۱	 سخن نااش
۱۳	 مقدمه
۲۱	 فصل ۱. کلیات
۲۱	 مقدمه
۲۲	 ۱-۱. مفهوم ارزش
۲۲	 ۱-۱-۱. تعریف ارزش
۲۳	 ۲-۱-۱. منابع ارزش ها
۲۳	 ۲-۱. فرهنگ
۲۴	 ۱-۲-۱. تعریف فرهنگ
۲۵	 ۲-۲-۱. ابعاد و سطوح فرهنگ
۲۶	 ۱-۲-۲-۱. جنبه های شناختی فرهنگ
۲۶	 ۲-۲-۲-۱. جنبه های هنجاری فرهنگ
۲۶	 ۳-۲-۲-۱. جنبه های مادی فرهنگ
۲۷	 ۳-۲-۱. انتقال فرهنگ
۲۸	 ۴-۲-۱. نسبت دین و فرهنگ
۳۰	 ۳-۱. ارزش های فرهنگی
۳۰	 ۱-۳-۱. تعریف ارزش های فرهنگی
۳۱	 ۲-۳-۱. انواع ارزش های فرهنگی
۳۱	 ۱-۲-۳-۱. تبیین انواع ارزش ها
۳۴	 ۲-۲-۳-۱. بررسی انواع ارزش ها با توجه به مکاتب حقوقی

۳-۲-۳-۱.	بررسی پاسداشت ارزش‌های مختلف با توجه به جایگاه آزادی در	۳۶
۳۶	نظام حقوقی	
۳-۳-۱.	ارزش‌های فرهنگی و فقه	۴۳
۴-۳-۱.	ارزش‌های فرهنگی و جامعه‌شناسی	۴۴
۵-۳-۱.	ارزش‌های فرهنگی و فلسفه	۴۸
۱-۵-۳-۱.	فلسفه غرب و ارزش‌های فرهنگی	۴۹
۲-۵-۳-۱.	ارزش‌ها در فلسفه اسلامی	۵۱
۴-۱.	حقوق عمومی	۵۶
۱-۴-۱.	تعاریف حقوق عمومی	۵۶
۱-۴-۱.	تعارف حقوق‌دانان	۵۶
۱-۴-۱.	تعاریف اصحاب	۵۷
۲-۴-۱.	نقش حکومت در حقوق عمومی	۵۸
۳-۴-۱.	حقوق عمومی و ارزش‌های فرهنگ	۵۹
۵-۱.	حقوق اساسی	۶۲
۱-۵-۱.	تعریف حقوق اساسی	۶۳
۲-۵-۱.	مباحث حقوق اساسی	۶۳
۳-۵-۱.	منابع حقوق اساسی	۶۴
	جمع‌بندی	۶۶
فصل ۲.	ارزش‌های فرهنگی و حقوق عمومی	۷۷
	مقدمه	۷۷
۱-۲.	نسبت ارزش‌ها با حوزه عمومی	۷۸
۱-۱-۲.	تفکیک ارزش‌های حقوق عمومی از سایر ارزش‌ها	۷۸
۲-۱-۲.	ارزش‌ها از نگاه وظایف حاکمیت	۸۰
۱-۲-۱-۲.	ایدئولوژی‌های حاکمیتی و پاسداشت ارزش‌ها	۸۰
۲-۲-۱-۲.	اولویت‌بندی ارزش‌ها در حکومت دینی	۸۳
۲-۲.	ارزش‌های نخستین در حقوق عمومی	۸۹
۱-۲-۲.	توحید	۸۹
۲-۲-۱.	تعریف توحید	۸۹

۹۰.....	۲-۲-۱. توحید و جایگاه انسان در عالم
۹۱.....	۲-۲-۳. مراتب توحید
۹۲.....	۲-۲-۴. توحید و حاکمیت
۹۸.....	۲-۲-۲. عدالت
۹۹.....	۲-۲-۱. تعریف عدالت
۱۰۲.....	۲-۲-۲. عدالت در اندیشه غرب
۱۰۴.....	۲-۲-۳. عدالت به مثابه آزادی
۱۰۵.....	۲-۲-۴. اهمیت و جایگاه عدالت در تفکر اسلام
۱۱۱.....	۲-۲-۵. براساس مقدمه‌ای برای عدالت
۱۱۷.....	۲-۲-۳. آزادی
۱۱۸.....	۲-۲-۱. قلمرو دخالت حکومت
۱۲۰.....	۲-۲-۳. بررسی انسان، سباسبانه موضوع با توجه به مخاطب بودن انسان
۱۲۳.....	۲-۲-۳. مفهوم آزادی در اندیشه غرب و اسلام
۱۲۸.....	۲-۲-۴. امنیت
۱۲۸.....	۲-۲-۱. تعریف امنیت
۱۲۸.....	۲-۲-۴. ابعاد امنیت در قرآن
۱۳۰.....	۲-۲-۳. امنیت و وظایف حاکمیت
۱۳۲.....	۲-۲-۵. گذری بر سایر ارزش‌های حقوقی
۱۳۳.....	۲-۲-۱. شکوفایی علمی
۱۳۴.....	۲-۲-۵. استقلال
۱۳۵.....	۲-۲-۳. سلامت
۱۳۶.....	۲-۲-۴. تأمین اجتماعی
۱۳۶.....	۲-۲-۳. بررسی ارزش‌های فرهنگی با توجه به جایگاه حاکمیت
۱۳۶.....	۲-۲-۱. ارزش‌های فرهنگی از زاویه قلمرو دخالت حکومت
۱۳۶.....	۲-۲-۱-۱. حکومت ابزاری برای اجرای خواست عمومی
۱۳۸.....	۲-۲-۱-۲. حکومت ابزاری برای ترویج مکتبی خاص
۱۴۱.....	۲-۲-۱-۳. سیر تاریخی نظریات
۱۴۳.....	۲-۲-۱-۴. نکاتی در این بخش

۱۴۹.....	۲-۳-۲. ارزش‌های فرهنگی از زاویه امکان دخالت حکومت
۱۵۱.....	۲-۳-۳. ارزش‌های فرهنگی از زاویه مصالح حاکمیتی
۱۵۲.....	۲-۳-۳-۱. مصلحت و حقوق عمومی
۱۵۴.....	۲-۳-۳-۲. جدایی جرم‌انگاری از حرامات شرعی، ارتباط جرم‌انگاری با ارزش‌های فرهنگی
۱۵۷.....	۲-۳-۳-۳. توجه به حکمران در حقوق عمومی
۱۶۰.....	۲-۳-۴. تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر سیاست‌های بین‌المللی حکومت
۱۶۲.....	جنبش‌بندی
۱۶۹.....	فصل ۳. اعتبار ارزش‌های فرهنگی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۶۹.....	مقدمه
۱۷۰.....	۳-۱. ارزش‌های بنیادین در قانون اساسی
۱۷۰.....	۳-۱-۱. توحید
۱۷۰.....	۳-۱-۱-۱. حکومت برای ترویج وحدت
۱۷۲.....	۳-۱-۱-۲. توحید مبنای حکومت
۱۷۵.....	۳-۱-۲. عدالت
۱۷۷.....	۳-۱-۲-۱. عدالت اقتصادی
۱۷۹.....	۳-۱-۲-۲. عدالت حقوقی
۱۸۱.....	۳-۱-۲-۳. عدالت فرهنگی
۱۸۲.....	۳-۱-۳. آزادی
۱۸۳.....	۳-۱-۳-۱. بررسی انواع آزادی در قوانین
۱۸۷.....	۳-۱-۳-۲. شرایط تحقق آزادی
۱۸۹.....	۳-۱-۳-۳. نظام آزادی در ایران
۱۹۳.....	۳-۱-۴. تضمین‌های آزادی
۱۹۵.....	۳-۱-۴-۱. امنیت
۱۹۶.....	۳-۱-۴-۲. حوزه حقوقی و قضایی
۱۹۸.....	۳-۱-۴-۲. حوزه اقتصادی
۱۹۹.....	۳-۱-۴-۳. حوزه فرهنگی و اجتماعی

۲۰۰	 حوزه سیاسی و اداری ۴-۴-۱-۳
۲۰۱	 حوزه نظامی و دفاعی ۵-۴-۱-۳
۲۰۱	 اشاره‌ای به سایر ارزش‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۵-۱-۳
۲۰۱	 علم‌آموزی ۱-۵-۱-۳
۲۰۲	 سلامت و تأمین اجتماعی ۲-۵-۱-۳
۲۰۳	 استقلال ۳-۵-۱-۳
۲۰۵	 چگونگی تأمین ارزش‌ها توسط حکومت ۲-۳
۲۰۶	 ۱-۲-۱. حکومت و احترام به ارزش‌ها
۲۰۶	 ۱-۲-۳. مشارکت عمومی
۲۰۸	 ۲-۱-۳. حمایت از بروزهای فرهنگی فردی
۲۱۱	 ۲-۲-۳. حکومت و اصلاح ارزش‌ها
۲۱۱	 ۱-۲-۲-۳. گذری به سمت بر لایه‌های مختلف فرهنگی
۲۱۴	 ۲-۲-۲-۳. نهادها
۲۲۲	 ۳-۲-۲-۳. منابع ارزش‌ها در قانون
۲۳۲	 جمع‌بندی
۲۳۷	 نتیجه‌گیری
۲۴۳	 منابع و مآخذ
۲۵۵	 نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ

عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه و تربیتی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفت، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان به معنای «ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر دانشگاه امام صادق عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آید و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول تیت

خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تجارب مرتبط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و ... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهاده‌اند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ می‌رود که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان‌شاءالله).

بسم الله الرحمن الرحیم

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

عواملی موجب شد نسبت به ارائه این بحث احساس ضرورت شود: اول نظریه پردازی های مکرر متفکران غربی برای جایگزین کردن ارزش های فرهنگی به جای دین و تأکید آن ها بر ملایه فرار گرفتن این ارزش ها در حقوق و سایر علوم. در برخی از رویکردهای افراطی اسلام آیین را محصول یا مولود فرهنگ جامعه می دانند. براساس این نظریه، فرهنگ مولود تحولات اجتماعی است و دین به عنوان یکی از نهادهای زیرمجموعه فرهنگ و ساخته رپرخته آن است. بشر برای زندگی بهتر و آرامش بخش تر خود، و همچنین برای تأمین بخشی از نیازهایش که از طرق دیگر، قابل تأمین نیست، دین را ساخته و به آن پرداخته است. در نتیجه، دین، نقش هدایت گری نسبت به فرهنگ ندارد، بلکه در خدمت فرهنگ است. فرهنگ نیز یا تابع امیال مردم و یا تابع اراده صاحبان قدرت و ثروت است. دین و خدا، در کیفیت همان تجلی نیازهای جامعه است. این رویکرد محصول نظریه جامعه زایی می باشد. نظریه امیل دورکیم درباره دین و توتیم پرستی سنگ بنای تصور مذکور است (آرون، ۱۳۷۷: ۳۸-۳۹). فرهنگ، ریشه ای جز در عمل انسان نخواهد داشت، و نیازی به دین در شکل گیری فرهنگ نخواهد بود. در این رویکرد حقوق تنها زمانی موجه است که مشروعیت خود را از خواست عمومی و ارزش های حاکم در جامعه بگیرد و از طرف

دیگر حقوق تنها زمانی کارآمد است که مقبولیت خود را از همین ارزش‌ها بگیرد؛ از این‌رو، این ارزش‌های برآمده از فرهنگ است که بر حقوق حکمرانی می‌کند. در این تحقیق سعی شده با نشان دادن ارزش‌های بنیادین و اصیل به آن‌ها در جهت‌گیری‌های حقوقی محوریت بدهد.

عامل دوم اهمیت بحث، پیوستگی حقوق کارآمد با ارزش‌های فرهنگی است، چنانچه برخی حقوق‌دانان ما، حقوقی را که در جهت ارزش‌های فرهنگی نباشد، ساقط و کارا نمی‌دانند. فرض برخی آن است که هر حوزه فرهنگی در هر زمان و مکان مشخص واجد ساختارها و ویژگی‌های متصلبی است که تحت تأثیر اراده مسئولان فرهنگی قرار نمی‌گیرد. پاره‌ای از نظریه‌های ناظر بر مقوله فرهنگ، در توصیف تضاد این ساختارها چندان افراط کرده‌اند که اصولاً امکان دخالت اندیشه و تحقق اهداف از پیش طراحی‌شده را در این زمینه متفی قلمداد می‌کنند. به‌عنوان نمونه، مکتب ساختارگرایی تاریخی و نیز نگرش‌های زیست‌بومی، فرهنگ را مجموعه باورها و خاطره‌های ریشه‌دار تاریخی می‌انگارد که تحت اراده هیچ سیاست‌گذار فرهنگی دگرگونی نمی‌پذیرد، بلکه برعکس، تضاد این باورها و خاطره‌های ساختاری، اراده‌های معطوف به دگرگونی را در خود هضم می‌نماید (کاشی، ۱۳۸۱: ۳۷). با این نگاه، مشخصاً حقوقی که برگرفته از ارزش‌های فرهنگ نباشد کارا نبوده و حقوقی مرده است که باید کنار گذاشته شود.

عامل سوم اهمیت کنونی این بحث هم ناشی از گسترده شدن اختیار و انتخاب انسان‌ها در حوزه ارزش‌های فرهنگی با توجه به وسعت و سرعت تحولات و توزیع دریافت کالاهای فرهنگی است. امروزه با توجه به سرعت تحولات ارتباطات و با ایجاد کانال‌های ارتباطی و کانون‌های زایش فرهنگی متعدد، جهان فرهنگی متغیری ایجاد شده است، سرعت در تولید کالاهای فرهنگی و سهولت در عرضه کالاهای فرهنگی از جمله نتایج این جهان فرهنگی است (نوروزی، ۱۳۸۱: ۷۲). این تحولی است که تمام دنیا و ما را نیز به‌عنوان بخشی از دنیا تحت تأثیر خود قرار داده است.

از سوی دیگر، فراوانی تولید کالاهای فرهنگی، قدرت انتخاب مخاطبان کالای فرهنگی را هم افزایش داده است. این‌ها واقعیتی است که در جهان امروز اتفاق افتاده است و ما نیز خواه‌وناخواه از آن متأثر هستیم.

حقوق نیز به‌عنوان یکی از علوم مرتبط با اداره جوامع متأثر از تغییرهایی گفته شده بوده و مانند سایر رشته‌های انسانی از ترجمه فرهنگی آن احساس خطر می‌شود؛ از این‌رو، برای مصون ماندن از آسیب‌های این تحول باید موضع و اصول خود را نسبت به ارزش‌های متنوع و متکثر فرهنگی روشن کنیم و با برشمردن ارزش‌های اصیل و اثرگذاری ارزش‌های انحرافی بکاهیم و در موضع انفعال قرار نگیریم. با این‌بار، جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی - که رسالت اصلی آن را رساندن فرهنگی می‌دانست - لازم بود تا در زمینه فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول آن تحقیقات و اقدامات اساسی صورت گرفته و نظام جمهوری اسلامی ورود فزاینده در آن حوزه داشته باشد.

از این‌رو نهایت اینکه با توجه به عامل گفته شده مسئله ما در این تحقیق پررنگ کردن ارزش‌های فرهنگی اصیل و تبیین جایگاه آن‌ها در نظام حقوق عمومی بوده تا از این طریق، راه را بر ورود بدون حصر و بدون تقدم و تأخر ارزش‌ها بسته و کنترل رابطه ارزش‌ها با حقوق را در دست خود داشته باشیم. در این راستا از اصول برخورد با ارزش‌های غیراصیل نیز خواهیم گفت و بر آن را در قانون اساسی واکاوی خواهیم کرد.

مسئله اصلی تحقیق این خواهد بود که ارزش‌های فرهنگی چه ارتباطی با ارزش ذاتی آن‌ها و چه از جهت ضرورت‌های اجرایی حاکمیت چه تأثیری بر حقوق عمومی می‌توانند داشته باشد؟ آیا این تأثیر در حقوق اساسی ایران لحاظ شده است؟ عدم مفصل‌بندی دقیق مسئله ارزش‌ها در حقوق ایران از یک‌رو موجب سوءاستفاده معاندان نظام حقوقی جمهوری اسلامی می‌شود و از طرفی رها کردن آن باعث اعتباربخشی بدون کنترل فرهنگ زمانه خواهد شد؛ از این‌رو، هدف این

تحقیق پررنگ کردن ارزش‌های فرهنگی اصیل و تبیین جایگاه آن‌ها در نظام حقوق عمومی بوده تا از این طریق، راه را بر ورود بدون حد و مرز و بدون تقدم و تأخر ارزش‌ها بسته و کنترل این منبع پراهمیت صورت گیرد. همین دغدغه به عنوان هدف تحقیق حاضر ملاحظه شده است و تبیین ارزش‌های اصیل و سپس توصیف وضعیت حقوقی موجود، راهی برای رسیدن به این هدف می‌باشد.

سایمان اولین تلاش برای ورود به این موضوع توسط آقای صانعی در «معنه‌شناسی ارزش‌ها» صورت گرفت که فرصت را برای ورود جدی‌تر آقای علیزاده در کتاب «سبانی رویکرد اجتماعی به حقوق» ایجاد کرد. هر دوی این کتب مفید بوده و به غلظت جهت‌گیری جامعه‌شناسی از سایر علوم در آن‌ها روشن است. کتاب «ملاکات احکام و سیوه‌های استکشاف آن» از آقای ابازی کمکی برای تحلیل‌های فقهی فراهم کرد و «سیاست، دین و فرهنگ» آقای افتخاری ورودی سیاسی را امتحان کرد. کتاب «مبارک - حقوق عمومی» دکتر کاتوزیان در بخش نهایی خود از ارزش‌های بنیادین در حقوق عمومی گفته است که به ورود محققان کمک شایانی کرده است. تحقیق حاضر ضمن استفاده از کتب مذکور و سایر کتب مربوطه در حوزه‌های فقهی، جامعه‌شناسی و فلسفی سعی بر افزودن رویکرد حقوق عمومی در این حوزه داشته و به توصیف وضعیت حقوقی در این عرصه هم پرداخته است. علی‌رغم عجین بودن همه جوامع با نوعی فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول آن فرهنگ، اما رویکرد حقوقی به فرهنگ، از جمله مباحث بسیار مهمی است که کمتر بدان پرداخته شده است. متأسفانه تحقیقات پرداخته شده در این عرصه کافی نبوده و از این‌رو نیاز به زحمت زیادی برای تدوین چنین تحقیقی انکار پذیر است. مخصوصاً اگر قصد ورود به این حوزه با ملاحظات اسلامی داشته و از طرفی شیوه تحقیق هم توصیف حقوق ایران نسبت به این موضوع باشد؛ چراکه در ادبیات اسلامی از مفهوم فرهنگ کمتر استفاده شده و در ادبیات حقوقی ایران نیز این مباحث کاملاً تازه و بعضاً خام می‌باشند.

نسبت و رابطه حقوق عمومی و ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر واقعیت و حقیقت حقوق و ارزش‌های فرهنگی است؛ یعنی به تناسب اینکه چه تعریفی از فرهنگ و حقوق و در مقام جزئی‌تر ارزش‌های فرهنگی و حقوق عمومی ارائه دهیم، نسبت بین آن دو را تبیین کرده‌ایم. در طول بخش اول مفصلاً به تبیین مفاهیم مورد بحث در تحقیق می‌پردازیم ولی برای آشنایی اجمالی در اینجا نیز اشاره‌ای می‌کنیم.

ارزش‌های فرهنگی: برای فهم ارزش‌های فرهنگی ابتدا باید خود فرهنگ را فهمید. برای فرهنگ تعاریف زیادی گفته شده است و بدون اینکه در آن تعاریف ورود پیدا کنیم، بحث مورد نظر خود در تحقیق را ذکر می‌کنیم. فرهنگ بخشی از معرفت است که در نسبت مشترک افراد و یا جامعه و یا در زیست‌جهانی افراد وارد شده است. معرفت در تعریف فرهنگ تنها آگاهی ذهنی، تصویری یا تصدیقی نیست؛ مراد معنای عام است که احساس، عاطفه، گرایش، اعتقاد، عادات و آداب را فرا می‌گیرد (پارسائیان، ۱۳۹۰: ۲-۴۲)؛ از این‌رو، وجه تمایز فرهنگ از سایر صورت‌های معرفت بر صورت عام آن است. قیدی که معرفت‌های فردی و خاص و یا حقایق و اموری را که در بیرون از معرفت افراد قرار گرفته‌اند، از تعریف فرهنگ خارج می‌کند.

اما ارزش در جایی مطرح می‌شود که با انسان ارتباط داشته و به انتخاب و گزینش و عمل او برمی‌گردد؛ از این‌رو، در فرهنگ هم می‌توان تقسیمی ارائه داد و برخی از معارفی را که حالت عمومی یافته و فرهنگی شده‌اند، نامریی امور خاص انسانی دانست که با اعتبار او انجام می‌شوند و برخی دیگر را از این قید خارج کرد. حکما اصطلاحاً امور مربوط به عمل و تدبیر انسان را حکمت عملی می‌نامند و امور دیگر را حکمت نظری گویند؛ از این‌رو، ارزش‌ها ناظر بر حکمت عملی خواهند بود و ارزش‌های فرهنگی آن بخشی از حکمت عملی است که صورت جمعی یافته و هویت بین‌الذهانی یافته است.

حقوق عمومی: حقوق عمومی از دولت برمی‌خیزد و بر دولت نیز اعمال

می‌گردد. عامل و موضوع اصلی حقوق عمومی دولت است. حقوق عمومی شاخه‌ای از علم حقوق است که مأموریت اصلی آن مطالعه قواعد مربوط به سازمان‌دهی روابط درونی و برونی دولت در معنای عام است (گرچی اندرزیانی، ۱۳۸۸: ۱۰-۲۴). به گفته دوگی استاد فرانسوی حقوق عمومی حقوق دولت است؛ کنایه از اینکه بدون شناخت دولت و پیوندها و ارتباط آن در درون سازمان پیچیده دولتی، در برابر مردم و سایر سازمان‌های بین‌المللی، نمی‌توان به تعریفی از حقوق عمومی دست یافت (کانوزیان، ۱۳۸۳: ۱۲).

برای یافتن پاسخ سؤال تحقیق، ابتدا در بخش اول به‌صورت مبنایی سعی در شناخت فرد، ارزش و در نتیجه ارزش‌های فرهنگی داشته‌ایم و پس از بازخوانی تعاریف حقوق عمومی و حقوق اساسی به چگونگی ارتباط آن‌ها با ارزش‌ها پرداخته‌ایم. در این بخش تفکیکی بین انواع ارزش‌ها صورت داده و برخی را همیشگی و بنیادین معرفی کرده‌ایم که قصد عمل هر حقوقی باشند. نحوه برخورد با سایر ارزش‌ها نیز با توجه به زمان و مصالح آن متفاوت خواهد بود. بخش بعدی به نسبت حقوق عمومی به انواع ارزش‌های فرهنگی گفته شده نظر داشته و برای این کار، ابتدا نوع بنیادین ارزش‌ها را به‌طور مجزای در حقوق عمومی بررسی کرده‌ایم. در قسمت دیگر با نشان دادن ماهیت حکومت و نیز جایگاه مسدحت در حکومت‌داری، رابطه حقوق عمومی و سایر ارزش‌ها را رصد کرده‌ایم. پس از این‌ها و توضیحات مفصلی که در دو بخش گفته شده در مورد جایگاه ارزش‌های فرهنگی در حقوق عمومی داشتیم در این بخش به توصیف پیاده شدن ارزش‌ها در حلقه اساسی ایران می‌پردازیم و برای این کار تمرکز خود را بر قانون اساسی به‌عنوان منبع اصلی حقوق اساسی قرار داده‌ایم. جایگاه ارزش‌های فرهنگی بنیادین در قوانین قسمت اول این بخش خواهد بود. نحوه تأمین ارزش‌ها توسط حکومت فصل دیگر این بخش خواهد بود که در آن تکلیف سایر ارزش‌ها نیز مشخص خواهند شد.